

**پرسش ۷۴: سخن خداوند متعال: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس...»**

**السؤال / ۷۴: بسم الله الرحمن الرحيم، السيد أحمد الحسن (ع) السلام عليكم ورحمة الله وبركاته: لي صديقة سنية وقد طرحت عليّ بعض الاشكالات التي حيرتني، وهي في قوله تعالى: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً).**

**هل أن الإرادة هنا تكوينية؟ وإذا كانت كذلك هل تستلزم القول بالجبر؟  
وقد فسّر الإمام الباقر أو الصادق الرجس هنا بالشك فهل أن التطهير من  
الشك يعني العصمة؟**

**المرسل: شيماء حسن علي**

**بسم الله الرحمن الرحيم. سيد احمد الحسن (ع)، السلام عليكم ورحمة الله و  
بركاته.**

**دوستى سنى دارم و برخى اشكالات را براى من مطرح مى كند كه من حيران  
مى مانم؛ در خصوص اين سخن خداوند متعال كه « اى اهل بيت، خدا مى خواهد  
پليدى را از شما دور كند و شما را چنان كه بايد، پاك گرداند ».**

**آيا در اينجا اراده ي تكوينى وجود دارد؟ و اگر چنين باشد، آيا ملزم شدن به مقوله ي  
جبر پيش مى آيد؟ در اين خصوص امام باقر (ع) يا امام صادق (ع) «رجس» را به شك  
تفسير فرموده اند؛ آيا پاك شدن از شك، به معنى عصمت مى باشد؟**

**فرستنده: شيماء حسن علي**

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على  
محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.**

نعم هي إرادة الله سبحانه وتعالى، التي قال عنها سبحانه وتعالى: (إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) ([235])، ولكن تحقق هذه الإرادة الإلهية في هذه الآية: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) ([236])، لا يكون بالقهر والاجبار على الطاعة وترك المعصية، بل بكشف الحقائق لهم بعد اخلاصهم له سبحانه وتعالى، وبعصمتهم بعد اعتصامهم به سبحانه وتعالى. فإذا كشفت حقيقة الدنيا لإنسان وأصبح يراها جيفة تتنازعها كلاب، وعراق خنزير في يد مجذوم ([237])، كيف يُقبل عليها؟! وهذا مثل ربما يوضح لك العصمة ومعناها: (فإذا كان هناك إنسان أعمى يريد عبور الطريق سالماً من عثرات الطريق لا بد له أن يستجد بإنسان بصير، ثم لا بد له أن يُسَلِّمَ للبصير معصم يده، ليأخذ البصير بمعصمه ويعينه على عبور الطريق بسلامة. وهنا في هذا المثل يكون الأعمى معتصم بالبصير، فالأعمى في هذا المثل معصوم، ويكون البصير عاصماً للأعمى). والأنبياء والأوصياء (ع)، هم الذين استجدوا بالله ليأخذ بأيديهم إلى بر الأمان، وهم الذين مدّوا أيديهم لله ليأخذ بمعصمهم ([238]). ولو أن عبداً في المشرق أو في المغرب فعل كما فعلوا واعتصم بالله لعصمه الله، ولكن كثيراً من الناس قصرُوا في اللجوء إلى الله ومد أيديهم إليه سبحانه، بل هم يدعون أنهم يعرفون ويرون الطريق بوضوح. والله سبحانه وتعالى يده ممدودة للناس جميعهم وعلى الدوام، فليس بينه وبين أحد منهم قرابة، بل هو خالقهم ولكن أيدي الناس وبارادتهم مقبوضة عنه سبحانه ([239]).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الأئمة والمهديين وسلّم تسليماً.

آری، این اراده و خواست خداوند سبحان و متعال است که در موردش می فرماید: « چون بخواهد چیزی را بیافریند، فرمانش این است که می گوید: موجود شو، پس موجود می شود » ([240])؛ اما تحقق این خواست الهی در این آیه « ای اهل بیت، خدا می خواهد پلیدی را از شما دور کند و شما را چنان که باید، پاک گرداند » ([241]) به وسیله ی قهر و اجبار بر اطاعت و ترک معصیت نیست بلکه با کشف حقایق بر آنها پس از خالص شدنشان برای خداوند سبحان و متعال می باشد؛ با عصمت آنها پس از تمسک جستن به خداوند سبحان و متعال؛ که اگر خداوند حقیقت دنیا را برای انسانی کشف کند و انسان دنیا را همانند لاشه ای ببیند که گله ای از سگان برایش به رقابت

برمی‌خیزند و آن را همچون استخوان بدون گوشت خوکی در دست یک فرد جزامی ببیند [242] چگونه می‌تواند به آن روی آورد؟! این هم مثالی دیگر تا شاید بتواند عصمت و معنای آن را برای شما توضیح دهد: «اگر فرد نابینایی بخواهد به سلامت از لغزش‌های راهی عبور کند، باید از فرد بینایی کمک بگیرد. لاجرم باید این فرد نابینا تسلیم فرد بینا و به او معتصم شود، تا از عصمت بینا کمک گیرد و فرد بینا او را کمک کند تا به سلامت از راه، عبور کند. در این مثال، نابینا، معتصم به بینا می‌شود؛ پس نابینا معصوم می‌شود و بینا عصمت‌دهنده به نابینا می‌گردد». انبیا و اوصیا کسانی (ع) هستند که از خداوند یاری و کمک می‌طلبند تا دست آنها را بگیرد و به سرای امن رهنمون سازد؛ آنها کسانی هستند که دستان خود را به سوی خداوند دراز می‌کنند تا آنان را معصوم بدارد [243] و اگر بنده‌ای در مشرق یا مغرب زمین آنچه آنها انجام داده‌اند را انجام دهد و به خداوند معتصم گردد، خداوند او را نگاه خواهد داشت (معصوم خواهد نمود)؛ ولی بیشتر مردم در پناه جستن به خداوند متعال و دراز کردن دست‌هایشان به سوی او کوتاهی می‌کنند و حتی ادعا می‌کنند که راه را به طور واضح و آشکار می‌شناسند و می‌بینند! در حالی که دست خداوند متعال همیشه و به سوی همه‌ی مردم کشیده شده است و بین او و هیچ یک از مردم، هیچ گونه قرابت و خویشاوندی وجود ندارد بلکه او خالق ایشان است ولی دست مردم با اراده‌ی خودشان از درگاه الهی بسته شده است [244].



[235] - یس: 82.

[236] - الأحزاب: من الآية 33.

[237] - قال الإمام علي (ع): (والله لندياكم هذه أهون في عيني من عراق خنزير في يد مجذوم) نهج البلاغة: ج 4 ص 52. والظاهر أن العراق هو العظم الذي نزع عنه اللحم. (المعلق).

[238] - عن علي بن الحسين (ع) قال: (الإمام منا لا يكون إلا معصوماً، وليست العصمة في ظاهر الخلقة فيعرف بها، فلذلك لا يكون إلا منصوصاً. فقيل له: يا ابن رسول الله فما معنى المعصوم؟ فقال: هو المعتصم بحبل الله، وحبل الله هو القرآن لا يفترقان إلى يوم القيامة، والإمام يهدي إلى القرآن والقرآن يهدي إلى الإمام، وذلك قول الله عز وجل: (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ) (بحار الأنوار: ج 52 ص 194).

وعن الحسين الأشقر، قال: قلت لهشام بن الحكم: ما معنى قولكم: إن الإمام لا يكون إلا معصوماً، قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن ذلك فقال: (المعصوم هو الممتنع بالله من جميع محارم الله، وقد قال الله تبارك وتعالى: (وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) (بحار الأنوار: ج 52 ص 194). (المعلق).

[239] - عن (ص)، أنه قال: (إذا ادني العبد من الله، يدني الله إليه، ومن تقرب إليه شبراً، تقرب إليه ذراعاً، ومن تقرب إليه ذراعاً، تقرب إليه باعاً، ومن أتاها مشياً، جاءه هرولة، ومن ذكره في ملا، ذكره في ملا أشرف، ومن شكره شكره في مقام أسنى، وإذا أراد بعبد خيراً، فتح عيني قلبه، فيشاهد بها ما كان غائباً عنه) مستدرک الوسائل - للميرزا النوري: ج 5 ص 297. (المعلق).

[240] - يس: 82.

[241] - احزاب: بخشی از آیه ی 33.

[242] - امام علی (ع) می فرماید: «به خدا سوگند که این دنیای شما در نظر من از استخوان خوکی که در دست یک جذامی قرار گرفته باشد، بی ارزش تر است». نهج البلاغه: ج 4 ص 52.

[243] - از علی بن حسین (ع) روایت شده است که فرمود: «امام از ما باید معصوم باشد و عصمت در ظاهر خلقت نیست که شناخته شود؛ از همین رو معصوم باید وصیت داشته باشد». به ایشان گفته شد: ای فرزند رسول خدا (ع) معنای معصوم چیست؟ فرمود: «کسی که به ریسمان خدا چنگ زده و است، ریسمان خداوند همان قرآن است و آن دو تا قیامت از هم جدا نخواهند شد؛ امام به سوی قرآن هدایت می کند و قرآن به سوی امام، و این سخن خداوند عزوجل است که می فرماید: (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ) (به درستی که این قرآن به درست ترین آیین ها راه می نماید)». بحار الانوار: ج 52 ص 194.

از حسین بن اشقر روایت شده است: به هشام بن حکم گفتیم: این سخن شما که «امام باید معصوم باشد» چه معنایی می دهد؟ گفت: این موضوع را از ابا عبد الله (ع) پرسش نمودم. فرمود: «معصوم کسی است که توسط خداوند از تمامی حرام ها منع شده باشد، که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: (إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ) (به درستی که این قرآن به درست ترین آیین ها راه می نماید)». بحار الانوار: ج 52 ص 194.

[244] - رسول خدا (ص) می فرماید: «اگر بنده به خدا نزدیک شود، خداوند به او نزدیک خواهد شد. هر کس وجبی به او نزدیک شود خداوند یک ذراع به او نزدیک می شود و هر کس ذراعی به او نزدیک شود، خداوند به اندازه ی قامت دو دست به او نزدیک می شود و هر کس قدم زنان به سوی خدا برود، خداوند به صورت هروله به سوی او خواهد آمد و هر کس خدا را در جمعی یاد کند، خداوند در جمعی شریف تر او را یاد خواهد کرد و هر کس او را شکر گوید، خداوند او را در مقامی بلندتر شکر خواهد کرد، که اگر خداوند برای بنده ای خیری اراده فرماید، چشمان قلبش را می گشاید تا آنچه از چشمانش به دور بود است را مشاهده کند». مستدرک الوسائل میرزای نوری: ج 5 ص 297.